



تبیین کارکرد محیط‌زیست معنوی برای برنامه‌ریزی توسعه شهری با مطالعه تطبیقی شهر مکه

منصور شاه‌ولی^۱

چکیده

گذشته شهر مکه از کتاب اسلام و محیط‌زیست، انتشارات دانشگاه هاروارد آمریکا، و گزارش روزنامه گاردین درباره توسعه شهری مکه به درخواست حکومت آل‌سعود، با مطالعه تطبیقی و طی سه مرحله مقایسه شد. در مرحله اول، آسیب‌های وارده بر این شهر از منظر «زیست‌محیطی؛ وضعیت و معیشت ساکنان؛ و نمادهای فرهنگ دینی» مشخص شدند. در مرحله دوم، این آسیب‌ها با دو نظریه دینی «فایده‌گرا» و «وظیفه‌گرا» تحلیل شدند. نتایج این دو مرحله نشان داد که توسعه شهری مکه، بر نظریه فایده‌گرا منطبق است که با آموزه‌های اسلام سازگار نیست و برنامه‌های توسعه شهری مصداق بارز فساد در زمین است؛ زیرا دین را از کارکرد اجتماعی آن منحرف کرده، فرصت رشد و تعالی را از ساکنان سلب و کانون امت اسلامی یعنی خانواده را متلاشی کرده است و در مجموع، مالکیت مردم مکه، که ملازم معاد و معاش آن‌هاست، غصب شده است. به‌طور کلی، برنامه‌ریزی توسعه شهری مکه استدلال عقلی متضمن رفتار منطقی فردی و اجتماعی ندارد. مرحله سوم، چگونگی احیای هویت شهری مکه، با روش اسنادی نشان داد که احیای این هویت با محیط‌زیست معنوی و اصل توحید، که قائل به وحدت وجود اجزای شهر است، امکان‌پذیر است. برای تحقق این مهم، الگوی «نظم متعالی توسعه شهری» پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: توسعه شهری، محیط‌زیست معنوی، مطالعات تطبیقی، مکه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

مقدمه

و فلسفی این آیین‌ها و ادیان، از جمله انتشار کتاب اسلام و محیط‌زیست^۲ برای نجات زمین از آن‌ها یاری طلبید. از طرف دیگر، روزنامه انگلیسی گاردین در سال ۲۰۱۶ گزارشی از

دانشگاه هاروارد آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۹، نه جلد کتاب با عنوان تکرارشونده «محیط‌زیست» از منظر آیین‌های مشرق‌زمین و ادیان ابراهیمی منتشر کرد تا با درک عمیق دینی

۱. استاد تمام گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز؛ Shahvali@shirazu.ac.ir

۲. Foltz, R. C., Denny, F. M., and Baharudding, A. (2003). *Islam and Ecology*. Harvard University Press. USA
و سید شهاب‌الدین معین‌الدینی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۴. طبق پیشگفتار مترجمان، اصل کتاب مشتمل بر ۵۸۴ صفحه و ۲۳ فصل است که برای کاستن حجم، برخی فصل‌های مهم آن ترجمه و در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفته است.

وضعیت نامطلوب شهری و حیات اجتماعی مردم شهر مکه منتشر کرد که خلاصه‌ای از ترجمه فارسی آن در سایت‌های خبری داخل کشور منعکس شد.^۱ در این گزارش آمده است که مقامات آل‌سعود در حال تغییر این پناهگاه امن الهی (مکه) به شهری ماشینی هستند، شهری که هیچ هویت، میراث، فرهنگ و محیط طبیعی از آن باقی نمانده است.

نگارنده با مراجعه به گزارش روزنامه گاردین درباره آسیب‌های ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه شهری توسط آل‌سعود بر محیط طبیعی و اجتماعی شهر مکه و مقایسه آن با آرای برخی نویسندگان از نگاه اسلام در فصل‌های کتاب مذکور، خواننده این مقاله را ترغیب می‌کند تا دریابد، این برنامه‌های توسعه شهری، بر سر مکه چه آورده است؟ برای این منظور، نگارنده با مطالعه تطبیقی، وضعیت گذشته محیط طبیعی شهر مکه را از کتاب اسلام و محیط‌زیست دانشگاه هاروارد با گزارش روزنامه انگلیسی گاردین پس از اجرای برنامه‌های توسعه شهری مکه، تطبیق داد و سپس یافته‌ها را با دو نظریه «فایده‌گرا» و «وظیفه‌گرا»ی دینی (عابدی سروسناری و همکاران، ۱۳۹۱) تحلیل کرد. یافته‌ها نشان داد برنامه‌های توسعه شهری مکه براساس نظریه «فایده‌گرا» انجام شده است که به تحریف دین، تغییر نسل، ترویج مال‌دوستی، سلب امنیت و آسایش و آرامش مردم، اشاعه فساد و درنهایت به محو نمادهای مقدس از شهر منجر شده است.

نگارنده با مطالعه تطبیقی، در نظر دارد با روش علمی و منابع غربی و دوری از شائبه سیاسی و ژورنالیستی، راهکار احیای هویت شهری مثل مکه را بررسی کند؛ بنابراین مسئله اصلی در این مطالعه، تبیین محیط‌زیست معنوی در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری است که در قسمت بعد تشریح شده است.

۱. مبانی نظری

همه‌ساله، پس از پایان مناسک حج و بازگشت میلیون‌ها نفر از حجاج به کشورهاشان، اهالی شهر ۲ میلیون نفری مکه باید با شرایط کاملاً متفاوتی دست‌وپنجه نرم کنند. قسمت عمده‌ای از بخش قدیمی آن نیز به بهانه توسعه زیرساخت شهری برای رشد گردشگری، تخریب و ساکنان بومی، از آن بیرون رانده شده‌اند. از لحاظ فرهنگی نیز حجاج، هنگام طواف کعبه وقتی به بالا نگاه می‌کنند، گرچه مناره‌های مسجدالحرام را می‌بینند، اما در سنجش با «برج ساعت» - که هتلی لوکس، مجتمع تجاری و دومین ساختمان بلند جهان در چند قدمی آن است - مناره‌ها دیگر به چشم نمی‌آیند. قرار است در فاصله ۲ کیلومتری مسجدالحرام، هتل «ابراج کودیا»، بزرگ‌ترین هتل جهان شامل ۱۲ برج ۴۵

طبقه‌ای با ۱۰ هزار اتاق، در شهر مکه افتتاح شود. موارد فوق، «مولود اندیشه تجدید مدرنیسم است که بر تغییر بیرون به‌جای درون، تأکید دارد و اندیشه تجربه‌گرایی افراطی، امانیسم، و تعبدگرایی بدون کارکرد اجتماعی از ویژگی‌های آن است. برخلاف انسان‌های سنتی، نظیر رواقیون که دل‌مشغول درون خویش‌اند و بیرون را دگرگون و مطابق خواسته درون می‌سازند، هسته اصلی جهان مدرنیسم و انسان متجدد آن است که طالب تغییر بیرون است: «چرخ بر هم زنم آر غیر مُردم باشد» (جهانگیری، ۱۳۹۰). به باور برخی کارشناسان مذهبی، مُدرن‌سازی شهر مکه تا این اندازه آشکار و چشم‌گیر است که اجناس و ابزار اروپایی - آمریکایی همه‌جا را فراگرفته است. مثلاً ساعت بزرگ مُشرف بر کعبه، بی‌شبهت با ساعت گرینیچ لندن نیست. ماشین‌های آمریکایی و ژاپنی (جی. ام. سی، فورد و تویوتا) خیابان‌های شهر را تسخیر کرده است. آنتن‌های ماهواره نیز در بیشتر بام‌ها دیده می‌شود. همگی این موارد نشان‌دهنده آن است که هیچ مخالفتی با مُدرن‌شدن شهر مکه از طرف دولت عربستان به چشم نمی‌خورد؛ زیرا نگاه غالب سیاسی حاکم بر توسعه شهری «دیانت فردی‌شده» است که هیچ ظهور و بروز عینی ندارد و در معادلات، تصمیم‌گیری‌ها و داورهای سیاسی و اجتماعی، سهم و نقشی ایفا نمی‌کند. همچنین، دین فردی‌شده نه‌فقط در مقابل مسائل سیاسی و اجتماعی رفتاری کاملاً معمولی و خنثی دارد، بلکه نمادهای دینی، مانند نام مردمان صدر اسلام را از معابر شهر حذف و واژگانی مثل «صُیُوف‌الرحمان» از زبان نگهبانان و خدّمه مسجدالحرام و مسجدالنبی در رفتار با مسلمانان در این دو مکان صلح و دوستی، شنیده نمی‌شود. این مشکل سیاسی دین حاکم در سرزمین عربستان، ناشی از همراهی با مُدرنیته غرب است که از اسلام «دین فردی‌شده» ساخته است؛ به طوری که نه‌فقط مخالفتی با یکدیگر ندارند، بلکه در حذف دین از عرصه‌های اجتماعی، هم‌راستا هستند (مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، برای تحقق توسعه شهری به‌طور خاص و توسعه پایدار به‌طور عام، باید انسان را موجودی متفکر - با ظرفیت ایجاد تغییر در محیط زندگی و فعالیت‌های خویش - در نظر گرفت، نیازهایش را مشخص کرد و نحوه پاسخ به آن‌ها را مدنظر قرار داد (شاملی، ۱۳۷۹). ولی آنچه تاکنون با نام توسعه شهری در جهان انجام می‌شود (مثل آنچه در مکه اتفاق می‌افتد) «عمل‌گرایی» را با هدف پاسخ به نیازهای صِرف مادی مد نظر قرار می‌دهد؛ درحالی که آنچه امروز انسان بدان سخت نیازمند است معنویت است، آن‌هم معنویتی که بر عقل و منطق متکی باشد (شاه‌ولی، ۱۳۷۵). چرا برای تحقق توسعه شهری، کمتر از معنویت سخن به میان می‌آید؟ چه چیز مانع تغییر نگاه و تفسیر انسان از هستی است؛ به‌گونه‌ای که با تمام دانسته‌های خویش در تحقق «توسعه پایدار شهری» ناتوان است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، مباحث عمیق را

۱. ترجمه این گزارش با عنوان «دلارهای سعودی با هویت شهر مکه چه کرد؟» در خبرگزاری ایسنا و سایت انتخاب منتشر شد.

دینی «فایده‌گرا» و «وظیفه‌گرا»؛

سوم، تحلیل اسنادی منابع دینی برای ارائه نظریه احیای هویت شهری در برنامه ریزی توسعه شهری.

۳. نتایج و یافته‌ها

ابتدا از کتاب اسلام و محیط زیست از انتشارات دانشگاه هاروارد و سپس گزارش روزنامه گاردین، نتایج تطبیق ارائه می‌شود.

در باره وضعیت طبیعت شهر، در فصل شش کتاب با نام «مقدمه‌ای بر قوانین زیست محیطی بر مبنای اسلام» آمده است: «در روزهایی که ساکنان مکه به اسلام گرویدند رسول اکرم (ص) در باره محدوده آن فرمودند: این مکان توسط خداوند متعال تا قیامت، مقدس شمرده می‌شود. درختان و حتی خارهای آن نمی‌باید قطع شوند. در این مناطق شکار ممنوع است و علوفه تازه آن نمی‌باید برداشت گردد. پیامبر اکرم (ص) همچنین، آنچه را که در میان کوه‌های احاطه‌کننده مدینه [نیز] بود مکان (حرام) و مقدس اعلام کرد [و فرمود] به راستی که حضرت ابراهیم (ع) مکه را مکان مقدس اعلام و من مدینه را نیز که بین جریان گدازه‌ها و کوه‌ها قرار دارد، مقدس اعلام می‌کنم. ... منطقه حرام مکه حدود ۳۵ کیلومتر به شرق و غرب امتداد دارد که حدود ۱ میلیون نفر در آن ساکن‌اند و شامل مناطق روستایی، قلات، تپه‌های شنی، و مناطق کوهستانی است که قله‌های آن‌ها تنوع بسیاری از حیات وحش طبیعی را در خود جای داده است. گونه گیاهی غالب این منطقه اکاکیا می‌باشد. کبک، باقرقره، فاخته، پرستو و گیاه‌خواران متعددی در این منطقه زندگی می‌کنند. غزال و بز کوهی تاده‌های اخیر در آن مشاهده شده‌اند و در کنار پستانداران کوچک، گرگ، روباه، شغال و گربه وحشی هنوز مشاهده می‌شوند. نخل‌های خرمای پُربار در آن یافت می‌شود که زیستگاه مناسب بسیاری از پرندگان محلی و پرندگان مهاجر است. ... مناطق مقدس و فرهنگی بسیاری در گوشه و کنار دنیا وجود دارد که استانداردهای زیست محیطی را بر مبنای استانداردهای مکه و مدینه تدوین نموده‌اند» (لولین، ۱۹۹۴).

از سوی دیگر، درباره وضعیت طبیعت و شرایط طواف حجاج در ایام حج، روزنامه گاردین گزارش کرده است که:

۱. قسمت عمده بخش قدیمی شهر مکه به بهانه توسعه زیرساخت‌ها و رشد گردشگری تخریب و نوسازی شده است؛ مثل «برج ساعت»، یک هتل لوکس، مجتمع تجاری و دومین ساختمان بلند جهان در چند قدمی آن و بزرگ‌ترین هتل جهان با ده هزار اتاق.

۲. سامی عنقاوی، معمار ۶۰ ساله و بنیان‌گذار مرکز تحقیقات حج، کودکی خود را در خانه اجدادی در شهر مکه گذارند و به پدرش در نگهداری کفش‌های زائران هنگام اقامه نماز کمک می‌کرد.

می‌طلبند؛ مثلاً از نظر فلسفی، هدف پیوند انسان با طبیعت غایتی است که از جمله تجلیات آن، دمیدن روح پایداری در زندگی و محیط انسان است که نیازمند اتخاذ تدابیر و راهکارهای دسترسی او به غایت هستی است (شاه‌ولی و کرمی، ۱۳۹۳). برای تحقق این امر مهم، علاوه بر اقتضای فن و فناوری، «اقتضای معرفتی» نیز باید مدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر، توسعه شهری را باید به نحوی راهبری کرد که نه فقط از نظر دانش و فن، بوم‌گرا باشد — که البته این مسئله از ضروریات تحقق پایداری است (Shahvali, 1994) — بلکه به منزله وظیفه‌ای معرفتی، سازگار و انسجام‌بخش با انگیزه‌های صحیح و بنیان نظری قابل دفاع نیز هم‌سو باشد (خوشنویس، ۱۳۸۸؛ شاه‌ولی و ابراهیمی، ۱۳۹۴). بنابراین، مسئله طرح سه پرسش و پاسخ به آن‌هاست:

۱. آیا برنامه‌های توسعه شهری طبیعت مکه با بوم معرفتی آن که همانا قداست است، سازگاری دارد؟

۲. آیا این برنامه‌های توسعه شهری، به حفظ امنیت مردم و ماهیت صلح و دوستی شهر انجامیده است؟

۳. چگونه می‌توان با احیای محیط زیست معنوی، امنیت، قداست، آرامش و آسایش ساکنان را باز گرداند؟

۲. روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مطالعه تطبیقی است و در توصیف آن آمده که انسان برای رفع موانع تعالی و تکامل خویش، فطرتاً در جست‌وجوی حقیقت است. همچنین، از جمله راه‌های تحقیق و آشنایی با واقعیت‌ها و راه‌حل‌ها، مطالعه تطبیقی است که برای مشاهده و دریافت وجوه شباهت و افتراقتان آن‌ها را بررسی می‌کند. کارکرد مطالعه تطبیقی عبارت‌اند از:

۱. رعایت طبقه‌بندی موضوع (های) مطالعه شده به گونه‌ای منسجم؛

۲. سازگاری ابزارها و شیوه‌های مطالعه با شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خاص یک کشور/ منطقه؛

۳. نظریه‌پردازی و گسترش مرزهای دانش در حوزه علوم، اتخاذ تصمیم‌های مناسب و راه‌های صحیح حل معضلات عینی درباره موضوع (های) مطالعه شده (اعرابی، ۱۳۷۶).

برای این منظور، مطالعه حاضر طی سه مرحله انجام شد:

اول، تبیین آسیب‌های ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه شهری مکه از منظر گذشته محیط طبیعی/ محیط زیست، شرایط حیات اجتماعی ساکنان شهر، و نمادهای دینی حاکم در شهر از کتاب اسلام و محیط زیست دانشگاه هاروارد و تطبیق این موارد با وضعیت آن‌ها در گزارش روزنامه انگلیسی گاردین؛

دوم، تحلیل آسیب‌های برنامه‌های توسعه شهری مکه، با دو نظریه

مکه نقل مکان کرده‌اند و زاغه‌های جدید برای خود ساخته‌اند؛ (ج) وضعیت اقتصادی ساکنان مکه از لحاظ نوع و میزان درآمد به شدت تغییر کرده است. مشاغل نظیر سبزی‌فروشی، کفافی و حتی راهنمایان تور، که مبنای اقتصاد محلی و غیررسمی شهر مکه‌اند، به مخاطره افتاده‌اند. جواهر السدیری که درباره تأثیرات اجتماعی - اقتصادی طرح‌های توسعه شهری در جمعیت‌های گوناگون مکه تحقیقات بسیاری انجام داده است، می‌نویسد: ساکنان مکه همواره باید درآمد، اشتغال و روش زندگی خود را با شهر تنظیم کنند. برای مثال، در حال حاضر تنها خانواده‌های صاحب املاک و مُستغلات، منبع درآمد درخور توجهی دارند. برخی خانوار که سال‌هاست خارج از شهر زندگی می‌کنند، فقط در موسم حج خانه‌های خود را برای اجاره در اختیار زائران قرار می‌دهند و با درآمدی که در فصل حج به دست می‌آورند می‌توانند سال را با خیال آسوده سپری کنند؛

(د) درباره مالکیت مردم بر زمین‌های خود، با توجه به اینکه هر مترمربع زمین در حوالی مسجدالحرام ۱۰۰ هزار پوند (۴۷۵ میلیون تومان) است، بسیاری از ساکنان، خانه‌ها را به دولت یا توسعه‌دهندگان املاک فروخته‌اند و دیگر ارتباط تاریخی با این شهر ندارند. به اعتقاد جواهر السدیری، بخش عمده شهر مکه در تملک توسعه‌دهندگان تجاری املاک و بخش خصوصی است. دولت عربستان درآمد ورود زائران را بر نیازهای ساکنان مکه اولویت داده است. این موضوع با توجه به اوضاع نامساعد مالی دولت عربستان، باعث تنش شده و شرایط شهر مکه به گونه‌ای است که برخی ساکنان، هیچ نفعی از اقتصاد میلیاردی حج نمی‌برند و با شرکت‌های بزرگ، هتل‌هایی که خانه‌های شخصی به حج‌گرایه می‌دهند و نیز رستوران‌های زنجیره‌ای جایگزین اغذیه‌فروشی‌های خیابانی توان رقابت ندارند.

درباره نمادهای دینی شهر مکه باید گفت که خداوند در قرآن می‌فرماید: «و چون خانه [کعبه] را برای مردم، محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم [و فرمودیم] در مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود اختیار کنید و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید» (بقره: ۱۲۵). همچنین «خداوند [زیارت] کعبه بیت‌الحرام را وسیله به‌پاداشتن [مصلح] مردم قرار داده و ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشان‌دار را [نیز به همین منظور مقرر فرموده است] این [جمله] برای آن است تا بدانید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و خداست که بر هر چیزی داناست» (مائده: ۹۷).

مؤلف تفسیر المیزان (طباطبائی، ۱۳۹۴) درباره آیات فوق روشن می‌سازد که آیه ۱۲۵ سوره بقره به تشریح حج و نیز مأمور بودن خانه خدا اشاره دارد و خداوند بر ابراهیم و اسماعیل امر کرد که خانه او

هیچ‌کس به اندازه او از عمق فاجعه تخریب‌ها در شهر مکه خبردار نیست. وی ۳۰ سال عمر خود را برای پژوهش و مستندسازی اماکن و محوطه‌های تاریخی مکه و مدینه صرف کرد و در سال ۲۰۱۲ نیز در گفت‌وگو با روزنامه گاردین گفته بود که مسئولان شهر مکه روزافزون در تلاش تغییر چهره آن و تبدیل این پناهگاه امن الهی به شهر ماشینی بدون هویت، میراث، فرهنگ و محیط طبیعی هستند. این سیاست تغییر هویت شهر، سبب خصومت و دشمنی شده است و مردم آن با عصر جدید طرح‌های توسعه شهری مکه روبه‌رو شده‌اند که خشم آنان را تشدید می‌کند.

ولی عثمان عبدالرحمن لولین (۱۹۹۴) تدوین قوانین اسلامی را راهکار خوشنودی خداوند متعال می‌داند و در این باره می‌نویسد: «هر انسانی به‌مثابه چوپانی است که وظیفه نگاه‌داری و نگاهبانی از تمامی موجودات زنده روی زمین را بر عهده دارد، نگاهبانی که هم‌زمان در انجام نیکی و پلیدی، مُختار است و برای جزئی‌ترین نیکی‌ها پاداش و برای جزئی‌ترین پلیدی‌ها بازخواست خواهد شد. ... همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: در هر روز بین طلوع و غروب خورشید، انسان‌های کثیری را زنده و عده کثیری از حیات را می‌میراند. ما نمی‌توانیم مانع این تغییرات شویم و زندگی و حیات را بدون تغییر ادامه دهیم؛ پس می‌باید این تغییر را در راستای تعالی و بهبود پیش ببریم. ... نمی‌توانیم به عهد خود وفا کنیم مگر اینکه گستره مسئولیت‌مان در زمان و مکان توسعه پیدا کند و تمامی گونه‌ها، اشخاص و نسل‌های مخلوقات خداوند را از امروز تا روز قیامت، شامل شود. ... بنابراین، مقاصد قوانین اسلامی، رفاه و آسایش کنونی و آتی مخلوقات خداوند، است.»

اما روزنامه گاردین شرایط زندگی ساکنان شهر مکه را از چند منظر چنین گزارش کرده است:

(الف) ترکیب جمعیتی ساکنان شهر مکه به شکلی تغییر کرده که ساختار جمعیتی نسل‌های آینده آن را تغییر خواهد داد، زیرا ساکنان بومی به علت تخریب و نوسازی شهر مکه بیرون رانده شده‌اند. بنابر گفته جواهر السدیری، استاد عربستانی مدرسه جان. اف. کندی دانشگاه هاروارد، ۴۵ درصد جمعیت کنونی شهر مکه را مهاجران غیرسعودی تشکیل می‌دهند که شامل نسل دوم و سوم مهاجرانی است که عربستان به آن‌ها حق شهروندی نداده است. برخی از آنان اخیراً از کشورهای نیجریه و جنوب شرقی آسیا و به‌منزله کارگران فصلی، در ساخت و سازها فعالیت می‌کنند؛

(ب) با تبدیل مرکز شهر مکه به محل اصلی فعالیت‌های تجاری، ساکنان آن برای زندگی به حومه و حاشیه شهر رانده شده‌اند. براساس نقشه جامع این شهر، بیشتر آنان در منطقه «دروازه مکه» تجمع کرده‌اند که هزینه‌های مسکن در آنجا پایین است. در عمل، ساکنانی که خانه‌هایشان ویران و احتمالاً غرامت ناچیزی دریافت کرده‌اند به روستاهای اطراف و در فاصله زمانی یک ساعت تا شهر

۳. از نمونه‌های بارز مشکلات سیاسی برداشت از قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص)، که طبیعت و صلح و دوستی را برهم زده است، توسعه دهه‌های اخیر شهر مکه است. برای مثال، مهدوی زادگان (۱۳۹۵) نگاه سیاسی غالب بر توسعه شهری مکه را «دیانت فردی شده» می‌داند. این مشکل سیاسی دین حاکم در سرزمین عربستان، ناشی از همراهی با مُدُنیت غربی است؛ درحالی که مشکل تاریخی ۲۰۰ ساله نزاع سنت و تجدد روشنفکران طرفدار غرب در مشرق زمین، به ویژه در سرزمین‌های اسلامی نظیر ایران، همچنان داغ داغ است، ولی حکومت آل سعود و مدرن‌ترین دولت غربی یعنی آمریکا و دولت‌های اروپایی هیچ مشکلی با یکدیگر در این باره ندارند و حتی مدیریت حج به شرکت‌های اروپایی واگذار شده است.

۴. علی‌رغم اینکه خداوند خانه کعبه را محل اجتماع و (جای) امن و وسیله به‌پاداشتن [مصلح] مردم قرار داده است، ولی به علت مشکلات سیاسی حاکم بر این شهر، مردم آن نه تنها نمی‌توانند مصالح خود را با کمک منابع توحیدی حج برپا دارند، بلکه شرایط زندگی مردم به اندازه‌ای وخیم شده که به زاغه‌های جدید در فاصله زمانی یک ساعت تا شهر مکه، نقل مکان کرده‌اند؛ زیرا بخش عمده شهر مکه در تصرف تجار املاک بخش خصوصی است و نیازهای ساکنان مکه تحت الشعاع بازار پررونق ورود زائران است. این درحالی است که از نظر حقوقی، رفاه عمومی بر رفاه شخصی/گروهی رجحان دارد و همچنین پیشگیری از صدمات عمومی بر دستیابی به منافع خصوصی اولویت دارد (لولین، ۱۳۹۴).

۵. اگرچه تفسیر آیه ۹۷ مانده گویای آن است که بیت‌الحرام و هرچه که متعلق به آن است باعث قوام معاد و معاش مردم شده و منافع آن منبعی راسخ برای تفکر و شناخت است، ولی گزارش گاردین نشان می‌دهد شرایط حاکم بر شهر مکه به گونه‌ای است که ملازمت اعتقادی و اقتصادی آن به هم خورده است. این وضعیت، که ناشی از تشدید تضاد و تنش توسعه شهری با مفاهیم قرآنی مثل تطهیر، تقدس، امنیت، صلح و آرامش شهرالحرام با الگوی عملی توسعه شهری به دست آل سعود است، باعث تغییر آهنگ زندگی سنتی برمبنای همزیستی به نفع زندگی اقتصادی مُدرن و مصرف‌گرایانه شده است. آل سعود برخی ارزش‌های اسلامی را در نظر گرفته و به بسیاری از آن‌ها توجه نکرده که به دانش صلح‌محور محیط‌زیست در اسلام لطمه وارد کرده است؛ درحالی که تعقل در علم محیط‌زیست برمبنای اندیشه‌های اسلامی، یعنی کشف روابط موجودات طبیعت که می‌تواند اندیشه «هماهنگی اقتصاد و اعتقاد» با صلح را بیش از پیش گسترش دهند (سعید و فانک، ۱۳۹۴). در همین رابطه روزنامه گاردین ناگفته‌های بسیاری درباره هزاران خانه و محله قدیمی گزارش کرده است که به بهانه طرح‌های توسعه شهری تخریب شده‌اند. برای

را برای عبادت بندگان خالص کنند که این خود نوعی تطهیر است. همچنین، طبق آیه ۱۲۷ این سوره، خداوند دعای حضرت ابراهیم را که از او خواسته بود به اهل مکه امنیت و رزق ارزانی بدارد، مُستجاب کرد. درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند بیانگر آن است که می‌خواست کرامت و حرمتی برای مکه، که بیت‌الحرام در آنجاست، از خدا بگیرد؛ چون بیت‌الحرام در سرزمینی واقع است که کشت و زری در آن نمی‌شود و اگر درخواست ابراهیم (ع) نمی‌بود، این شهر هرگز آباد نمی‌شد و کسی در آنجا دوام نمی‌آورد؛ لذا ابراهیم (ع) خواست با دعای خود، شهر مکه را معمور و خانه خدا را آباد کند.

غرض از آیه ۹۷ مانده این بود که کعبه را پایه حیات اجتماعی سعیدی برای مردم قرار دهد و آن را قبله‌گاه مردم کند تا در نماز، دل و روی خود را متوجه آن کنند؛ در نتیجه جمعشان جمع و دینشان زنده و پایدار شود و خداوند به مردم فرصت داد امور خود را اصلاح کنند. خلاصه اینکه بیت‌الحرام و هرچه متعلق به آن است، باعث قوام معاد و معاش مردم و دارای منافعی است که برشمردن آن از سوی اشخاصی که از جزئیات ثابت و غیرثابت آن منتفع می‌شوند، هر متفکری را شگفت‌زده می‌کند. اعتباریات بیت‌الحرام و شهرالحرام و احکامی که بر آن دو تشریح شده مبنی بر حقیقتی علمی و مناسکش مایه قوام و حیات مردم است. آیات فوق و تفسیر آن‌ها نشان می‌دهد:

۱. دعای حضرت ابراهیم (ع) به درگاه خداوند برای آبادانی شهر مکه باعث قوام هم‌زمان اعتقاد و اقتصاد مردم می‌شود که گویای ملازمت کسب معرفت و تأمین معاش به منزله شرط پایداری به‌طور عام و پایداری شهری به‌طور خاص است. بنابر عقیده سعید و فانک (۱۳۹۴) قوام معاد باعث اعتقاد به توحید و شکل‌گیری «محیط‌زیست معنوی» می‌شود. آنان در این باره می‌گویند: تعبیر اسلام از صلح، بیانگر استقرار محیط‌زیست معنوی است که اساساً مبتنی بر اصل توحید است. هنگامی که این اصل فراموش شود، ارتباط انسان با طبیعت از حالت صلح خارج می‌شود؛ زیرا مفهوم اصیل توحید بیانگر وحدت وجود انسان و تمامی اجزای حیات است و نگرش انحصارطلبی وارد می‌کند. بنابراین، خداوند زمانی با انسان در صلح است که و با طبیعت در صلح باشد (محقق داماد، ۱۳۹۳).

۲. مشکل سیاسی تلقی از قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) نیز مانع تحقق محیط‌زیست معنوی می‌شود؛ زیرا با ماهیت اصیل آیات قرآن کریم، که تسلیم و محو صفات خداوندی شدن است، منافات دارد. این ماهیت اصیل، که بیانگر جهان‌بینی مبتنی بر توسعه یکپارچگی و اصل همیاری است، همواره دست‌نخورده باقی می‌ماند. بر همین اساس، سعید و فانک (۱۳۹۴) معتقدند که اگرچه تفکرات ملیتی و قومیتی در دنیای مُدرن امروز حفاظت از طبیعت را به چالش کشیده، اما اندیشه‌های اکولوژیک و زیست‌بوم‌محور بودن اسلام هنوز پابرجا و قابل دسترس است.

مثال، از میان پانزده محله قدیمی شهر مکه، سیزده محله با خاک یکسان شده‌اند و هتل، اقامتگاه و فضاهای تجاری جای آن‌ها را گرفته است. تعداد اندکی از نمادهای شهر مکه مثل ساختمان‌های با قدمت هزارساله باقی مانده است. یا برای ساخت برج لوکس ساعت، قلعه عثمانی‌ها تخریب و خانه حضرت خدیجه (همسر پیامبر (ص)) محل سرویس‌های بهداشتی شده است. از دیگر نمادهای دینی شهر مکه، مناره‌های مسجدالحرام است که گرچه طی چند دهه بازسازی شده‌اند، از معدود سازه‌های قدیمی و دست‌نخورده شهر است. ولی جرتقیل‌ها و داربست‌ها، در چشم‌انداز اصلی غالب شهر نشان می‌دهد دولت عربستان در حال اجرای طرح‌های توسعه و نوسازی آن است.

نتیجه‌گیری

نویسنده این مقاله طی تحقیق سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ش (۱۹۹۰ - ۱۹۹۴م) در کشور استرالیا به این نتیجه دست یافت که پایداری محیط‌زیست در قرن ۲۱ با کمک دین میسر است (Shahvali, 1994)؛ با پیگیری دوم و سوم، این موضوع تأیید شد (شاه‌ولی، ۱۳۸۳؛ ۱۳۹۲). به این منظور، از جان گریم و همسرش اولین توکر، محققان سرشناس که عضو مرکز جهانی مطالعات ادیان دانشگاه هارواردند، نیز می‌توان نام برد. توکر در اوایل قرن حاضر در این‌باره می‌گوید: «بحران‌های زیست‌محیطی ادیان جهان را به اعلام نظر فراگیر دعوت می‌کند؛ زیرا ادیان می‌توانند امکانات خود را برای بیداری‌اش جهانی همه‌جانبه و اخلاقی ارائه دهند. ادیان تأثیر سنتی خود را تغییر خواهند داد و کانون توجه خود را از انسان فراتر برده و طبیعت و کلیه مخلوقات را دربر خواهند گرفت» (Tucker, 2002). سیدحسین نصر، صاحب‌نظر بین‌المللی، نیز می‌نویسد: «باید معرفت دینی درباره طبیعت، جهان‌شناسی‌های سنتی و علوم مقدسی را که کماکان در بسیاری از نواحی غیرغربی عالم محفوظ است، حیاتی دوباره بخشید» (نصر، ۱۳۸۶). جوادی آملی نیز معتقد است: «افراد اهل اجتهاد یا پژوهشگران خبره موظف‌اند فروعات زیست‌محیطی را برای زندگی سالم و بهره‌مندی از طبیعت از قوانین کلی دین استنباط کنند. لازمه این اجتهاد، دینی‌کردن علوم و این منوط به فلسفه علوم زیست‌محیطی است که فلسفه مضاف محیط‌زیست نام داشته و برگرفته از فلسفه مطلق است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

اما پرسش این است که کدام دو رویکرد فایده‌گرا و وظیفه‌گرا باید مبنای کمک دین به حفظ طبیعت در سطح بین‌الملل باشد؟ برای پاسخ به این پرسش، دو گرایش را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

الف) گرایش عمل‌گرا، استفاده عملی از دین در قالب توصیه‌ها، بایدها و نبایدها و آموزه‌های دینی با وجه مشترک «تقدس» به علت سرمنشأ ماورایی که مطلوب مجامع غربی است و بر

نظریه اخلاقی فایده‌گرایی مبتنی است. در این خصوص عابدی سروستانی و همکاران می‌گویند: «نتیجه مطلوب برای یک عمل، رسیدن به حداکثر شادی اکثریت افراد است و معیار اصلی برای ارزشیابی درستی یک کار، مجموع یا متوسط منفعت آن برای یک جمعیت است. به این ترتیب، اعمالی که سود اکثریت را حتی همراه با ضرر برای یک اقلیت، تأمین کند مورد تأیید است. در فایده‌گرایی، انگیزه‌ها اهمیت ندارند، بلکه فقط نتایج مهم‌اند؛ زیرا اساس ارزیابی اعمال، میزان منفعت یا شادی آن است» (سروستانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۶-۴۷).

گرایش وظیفه‌گرا^۱ که عمدتاً از طرف مسلمانان پیرو مکتب اسلام در کشورهای مشرق‌زمین نظیر ایران مطرح می‌شود، اعتقاد دارد: «ارزش اخلاقی یک عمل به نتایج آن ربط ندارد، بلکه به نوع عمل وابسته است؛ به این معنا که عملی درست است که بر اصول اخلاقی درست انجام شده باشد. برخلاف فایده‌گرا، که نتایج ابزار را توجیه می‌کند، در وظیفه‌گرا، نتایج به‌هیچ‌وجه توجیه‌کننده ابزار نیستند. طبق این گرایش، نمی‌توان بدون دین، درک درست از اخلاق داشت؛ زیرا انسان نمی‌تواند بدون فرمان‌های الهی، از داورهای اخلاقی درست و نادرست و معانی آن‌ها، درک صحیح داشته باشد. بسیاری از یهودیان معتقدند که فرمان‌های الهی عمدتاً همان ده فرمان است. مسیحیان معتقدند همه فرمان‌های خداوند را می‌توان در فرمان محبت خلاصه کرد. از نظر مسلمانان نیز فرمان‌های الهی همان احکام قرآنی هستند» (همان، ص ۴۶-۹۶).

از تحلیل منابع اسلامی و گزارش‌های گردین برمی‌آید که توسعه شهری مکه به‌منزله سرزمین صلح و دوستی، مصداق «گرایش عمل‌گرا» و در راستای «اخلاق فایده‌گرا» است. در حالی که توسعه سرزمین مکه که حضرت ابراهیم (ع) و مدینه که پیامبر اکرم (ص) برای همیشه مقدس اعلام کرده‌اند، برای اقلیت اعضای حکومت آل‌سعود و شرکت‌های اروپایی که در آن فعالیت می‌کنند «شادی» ولی برای عموم مردم مکه «ناامنی» در پی داشته است؛ زیرا:

۱. برنامه‌های توسعه شهری، فقط باعث بهره‌مندی اقتصادی اقلیت حکومت آل‌سعود و شرکت‌های چندملیتی آمریکایی/اروپایی به بهای زاغه‌نشینی و محروم شدن مردم از درآمد میلیاردری حج شده است؛ بنابراین امنیت، صلح و آرامش آنان برهم خورده و نسلشان به علت جابه‌جایی جمعیت، ناتوانی اقتصادی و سلب مالکیت، دچار بحران و رو به انقراض است؛

۲. قداست شهر مکه در عمل محو، تحریف و تحقیر شده است؛ برای مثال از پانزده عرصه اعیانی، سیزده مورد با خاک یکسان و آینده خانه خدا (کعبه) در سایه آسمان‌خراش‌های اطراف آن با نگاه انسان‌های زمینی تحقیر می‌شود؛

مطابقت ندارد؛ زیرا «کارکرد اجتماعی دین»، که مبنای اعتقادی و ارزش های اخلاقی است، تحریف شده و بستر ازدیاد امت اسلام، کانون خانواده، متلاشی شده است؛

۲. توسعه شهری مکه به صلح و دوستی آن نینجامیده؛ زیرا «رشد و تعالی» و «حق مالکیت» ساکنان را سلب و به ناامنی آنان منجر شده است؛

۳. مشکل سیاسی مبنی بر «فردی شدن دین» توسط حکومت آل سعود، استدلال عقلی متضمن رفتار منطقی فردی و جمعی مردم این سرزمین ندارد؛ زیرا به تغییر نسل، تحریف دین، محو عرصه های مقدس این شهر و ناامنی منجر شده و صلح و دوستی را از شهر دور کرده است. همچنین، تبدیل شهر به محل گردشگری مذهبی با رویکرد تجاری، مبادله کالاها و وارداتی و ارائه خدمات شرکت های آمریکایی/اروپایی باعث غلبه فرهنگ مڈرنیته بر آن شده است؛ بنابراین شهر نه فقط همانند گذشته، الگوی زیست محیطی دیگر مکان های مقدس جهان نیست، بلکه ساختار مناسب امور اجتماعی مسلمانان نیز فراهم نیست؛ زیرا منازعه حکومت آل سعود بر سر درآمد میلیاردری آن، اولویت نخست توسعه شهر است؛

۴. بنابراین ویژگی های فوق مصداق بارز «فساد بر زمین» است که خداوند می فرماید: «به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند.»^۱ مؤلف تفسیر المیزان (طباطبائی، ۱۳۹۴) درباره این آیه نکته های زیر را یادآور می شود: «ظهور فساد عام است و به یک زمان و مکان و یا به یک واقعه محدود نمی شود و مراد از بر و بحر همه زمین است. همچنین، مراد از فساد در زمین، مصائب و بلاهایی عمومی است که یکی از مناطق را گرفته و مردم را نابود می کند؛ مثل زلزله، نیامدن باران، قحطی و سلب امنیت و کوتاه سخن هر بلایی است که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را برهم می زند چه مستند به اختیار بعضی مردم باشد و یا نباشد و خوشی و طیب عیش انسان ها را از بین می برد.»

فساد ناشی از برنامه توسعه شهری مکه، نظام آراسته و صالح جاری در این شهر را برهم زده و طیب عیش ساکنان را از بین برده است. بنابراین، راه احیای هویت آن، تحقق محیط زیست معنوی است. به عبارت دیگر، بازگشت به توحید و رعایت نکته های زیر می تواند بلای ناامنی ناشی از توسعه شهری را به ساکنان بازگرداند:

۱) قائل شدن قداست طبیعت از آنجا ناشی می شود که اشیا و معانی رابطه مستقیم با امر الهی دارند و در ید قدرت اویند (نصر، ۱۳۸۶). مسلمانان رعایت قداست طبیعت در هر نظام مبتنی بر امر الهی، شناخت

۳. با فردی شدن مناسک حج در شهر مکه، ظرفیت سامان بخشی امور مسلمانان فراموش شده است؛ در حالی که خداوند در قرآن به صراحت برای بیت الحرام و شهر الحرام کارکرد عبادی - اجتماعی ترسیم کرده است و «خداوند، آن را وسیله استواری و سامان بخشی کار مردم قرار داده؛ همچنین ماه حرام، و قربانی های بی نشان، و قربانی های نشان دار را» (مانده: ۹۷). به عبارت دیگر، توسعه این سرزمین برای انجام فریض دینی طواف کنندگان، معتکفان و نمازگزاران بوده، ولی به پاداشتن (مصالح) مردم به شکل جمعی نادیده گرفته شده و کارکرد و تأثیر آن در معادلات جهانی و منطقه ای و اتخاذ راهبردهای لازم برای پیکره واحد امت اسلام در عصر حاضر بسیار تضعیف شده است. فردی شدن دین در این شهر به علت انحصار طلبی حکومت و شرکت های آمریکایی/اروپایی وحدت وجود انسان و تمامی حیات در این سرزمین از بین رفته است. بنابراین، اعتقاد به توحید در برنامه های توسعه شهری نتوانسته صلح را که نمایانگر محیط زیست معنوی براساس توحید است، محقق سازد و ارتباط انسان با طبیعت از مسیر پایدار خداپسندانه خارج شده است.

با اقتباس از نظر لولین (۱۳۹۴) گفتنی است که حکومت در توسعه شهری مکه به عهد در قبل آن، وفا نکرده که گستره آن در طول زمان و مکان صلح و آرامش مردم این سرزمین محو شده است و از انسان ها و موجودات نظام آفرینش، که تا روز قیامت را شامل می شود، محافظت نمی شود. بنابراین، مقاصد قوانین اسلامی، که رفاه و آسایش مخلوقات خداوند در زمان حال و آینده را در نظر دارد، تحریف شده است. در نهایت پنج اصل زیر، که برای تعالی جوامع بشری مسلم است، اجرا نشده است:

۱) کارکرد اجتماعی دین، که مبنای اعتقادی و ارزش های اخلاقی و جامعه اسلامی براساس آن ها شکل می گیرد، تحریف شده است؛
۲) بدون در نظر گرفتن زندگی و نفس مردم، فرصت رشد و تعالی از آنان سلب شده است؛

۳) بازآغه نشینی ساکنان شهر، کانون خانواده به منزله بستر مناسب ازدیاد امت اسلامی در این سرزمین متلاشی شده است؛

۴) مالکیت مردم، که از ملزومات همراهی معاد با معاش آن هاست، غصب شده است؛

۵) مشکلات سیاسی فوق، که هیچ گونه استدلال عقلی ندارد و متضمن رفتار منطقی فردی و جمعی است، در توسعه شهری ملاحظه نمی شود.

در مجموع، پاسخ پرسش های این مطالعه تطبیقی چنین است:

۱. نتایج نشان داد توسعه این سرزمین با شریعت حضرت ابراهیم (ع)، پیامبر اکرم (ص) و آیات قرآن، درباره لزوم حفظ محیط فیزیکی و معنوی این سرزمین مقدس (محیط زیست معنوی)

۱. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۱۴).

الف) از حتمیت روز مشخص وقوع قیامت تردیدی نیست؛ زیرا خداوند آن را وعده داده است (آل عمران: ۹؛ واقعه: ۵۰؛ غافر: ۱۸؛ ق: ۲۰؛ بروج: ۲).

ب) از عظمت این روز با بزرگی، جاودانگی، سخت و پیچیدگی یاد می‌شود (زمر: ۱۳؛ هود: ۳؛ ق: ۳۴؛ مدثر: ۹؛ هود: ۷۷).

ج) حضور همگانی انسان‌ها با حالات گوناگون از گورهایشان شتابان در مقابل خداوند به پا می‌خیزند و این مردم با امامشان فراخوانده می‌شوند، و احدی دم نمی‌زند و آنچه را از پیش فرستاده‌اند، می‌نگرند (تغابن: ۹؛ معارج: ۴۳؛ غافر: ۳۲؛ غافر: ۵۱؛ اسراء: ۷۱؛ مطففین: ۶؛ مرسلات: ۳۵؛ یس: ۶۵؛ نبا: ۴۰؛ نازعات: ۳۵).

د) در این روز برخی مجادله می‌کنند، چشم‌ها و قلب‌ها منقلب است، دوستی و شفاعتی وجود ندارد، مال و فرزند سودی ندارند، چهره‌هایی نورانی و برخی ظلمانی است، درحالی که ستمگران را پوزش طلبی‌شان سود نمی‌بخشد و پرهیزکاران به سوی خدای رحمان رهسپارند (نخل: ۱۱۱؛ نور: ۳۷؛ دخان: ۴۱؛ شعرا: ۸۸؛ غافر: ۱۷؛ آل عمران: ۱۰۶؛ مانده: ۱۱۹؛ مریم: ۸۵؛ فرقان: ۲۷؛ جاثیه: ۲۷؛ غافر: ۵۲).

بنابراین، توسعه شهری بر مبنای محیط‌زیست معنوی، تمام ذی‌نفعان را بر اساس مؤلفه‌های عینی و ذهنی، نظام‌مند مشتمل بر اجزای مشهود و نامشهود، با نگاه فرارشته‌ای و تعامل حداکثری متخصصان علوم تجربی و دینی مشارکت می‌دهد تا نه فقط پاسخ‌گوی نیاز نسل‌های حاضر و آینده، بلکه به برآوردن انتظارات معنوی خالق هستی متعهد باشند. ویژگی فنی و معرفتی ساختار نهادی محیط‌زیست معنوی توحیدی با لحاظ شرایط محلی و بین‌المللی برای ایجاد وحدت رویه تهیه و تنظیم می‌شود (ر.ک. شاهولی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶۴). تحقق این فلسفه با اجزای الگوی متعالی نظم توسعه شهری به شرح زیر میسر می‌شود:

هستی‌شناسی: رعایت قداست طبیعت؛ زیرا اشیا (گیاهان، حیوانات، خاک، آب) و معانی (نمادها)، با امر الهی رابطه مستقیم دارند؛ زیرا در ید قدرت اوست؛ و غایت آن (ها) شناخت و عبودیت خداوند است. با تقدس‌زدایی از طبیعت در اجرای برنامه‌های توسعه شهری، رفاه مادی جایگزین می‌شود؛ درحالی که نمی‌توان در شهر با صلح زندگی کرد، مگر اینکه با خداوند در صلح بود.

معرفت‌شناسی: بر «نظم» خلق انسان و ارزش «نظم» طبیعت شهر برای پیشگیری از فساد و تباهکاری در آن مبتنی است.

روش‌شناسی: پذیرش «نظارت» خداوند بر اعمال انسان‌ها با رعایت شئون و کرامت ساکنان شهر و «محاسبه» در روز قیامت به علت حتمیت، عظمت و حضور همگانی است که نشان از بازخواست خداوند دارد.

کارکرد محیط‌زیست معنوی برای برنامه‌ریزی توسعه شهری

و عبودیت خداوند است؛ درحالی که با تقدس‌زدایی از آن، رفاه مادی جانشین آن می‌شود (ابدی، ۱۳۹۲). براین اساس نمی‌توان با طبیعت در صلح زندگی کرد، مگر اینکه با خداوند در صلح بود (محقق‌داماد، ۱۳۹۳). پذیرش نظم طبیعت منبع کسب معرفت است، همان‌طور که ادیان منبع اخلاق‌اند، طبیعت نیز چنین است و نظم [ناب] در طبیعت می‌تواند منبع معرفت باشد (نصر، ۱۳۸۶). این نوع معرفت می‌تواند انسان را با «الگوی متعالی نظم قرآنی» به سر منزل مقصود طبیعت برساند؛ «زیرا طبیعت، قرآن را به صورت عملی می‌نمایاند و قرآن نیز طبیعت را به صورت وحیانی تعریف و تبیین می‌کند» (محمدقاسمی، ۱۳۹۴). این نوع معرفت باید با هستی‌شناسانه موجودات و فرایندهای طبیعت، انسان، و ارزش‌های حاکم بر طبیعت را شامل شود که در ادامه آمده است:

الف) معرفت هستی‌شناسانه «نظم» موجودات و فرایندهای طبیعت و همچنین آفرینش آن‌ها مطابق با نظر خالق آنان، در آیات مرتبط با آسمان‌ها، زمین، خورشید، ماه، گیاهان، فرشتگان، و فرمانروایی آن‌ها ساری و جاری آمده است (ابراهیم: ۱۹؛ یونس: ۳؛ رحمن: ۵؛ تغابن: ۳؛ ق: ۱؛ صافات: ۱).

ب) معرفت انسان‌شناسانه مبتنی بر «نظم» خلق انسان، با احسن تقویم، نیز از آیات قرآن قابل درک است (تین: ۴۰؛ انفطار: ۷؛ شمس: ۷؛ ابراهیم: ۱۹؛ یونس: ۳؛ رحمن: ۵؛ تغابن: ۳).

ج) معرفت ارزش‌شناسانه «نظم» طبیعت و لزوم پیشگیری از فساد و تباهکاری آن، مورد تأکید قرآن است (اعراف: ۵۶).

۲) پذیرش «نظارت» خداوند بر اعمال انسان‌ها و «محاسبه» از آن‌ها. در قرآن آمده است که: «سخنی از خیر و شر به زبان نیاورده جز آنکه همان [دو ملک] زقیب و عتید بر نوشتن آن آماده‌اند» (ق: ۱۸). این‌گونه نظارت، بهترین نظارت است؛ زیرا با مخفی‌نگه‌داشتن آن، شئون و کرامت انسان‌ها رعایت و آبروی آن‌ها حفظ می‌شود. حتی دو ملک مذکور، هر روز عوض می‌شوند و در طول عمر فرد، فقط یک روز نظارت دارند و خبر از روزهای دیگر او ندارند. آثار برکت اعتقاد به این نظارت، باعث آرامش و امنیت حقیقی در زندگی انسان‌ها می‌شود؛ زیرا وقتی انسان‌ها خود را همواره در محضر خداوند و ملائکه او ببینند، نه فقط به آلودگی‌ها و خیانت‌ها دست نمی‌زنند، بلکه حوادث تلخ و امتحانات نیز بر آنان آسان و راحت است. تشکیل نظام‌های پایش و نظارت غیر مرئی که مدتی است در جوامع امروزی رواج یافته، از مؤثرترین نظام‌های نظارتی است و باعث نهادینه‌شدن رعایت قوانین در انسان‌ها و تبدیل آن‌ها به فرهنگ می‌شود (جلالی، ۱۳۹۳). همچنین پذیرش «محاسبه» اعمال دنیوی در روز قیامت چنان است که اولیای الهی، آتی از حوادث آن غفلت نمی‌کنند و برای آمادگی این روز، همواره تلاش می‌کنند. در ۵۲ آیه، خداوند با نام‌های گوناگون از روز قیامت یاد می‌کند (همان). این نام‌ها، که اطمینان‌بخش بازخواست از انسان است، از چند وجه تأمل‌پذیرند:

مستلزم رعایت برخی نکته‌هاست:

۱) محیط‌زیست معنوی بنابر فلسفه اسلامی، در جایگاه توحیدی شهر بنابر اصل وحدت وجود موجودات آن و با مشارکت کلیه ذینفعان ساکن و عالمان دینی، فنی و سیاسی جهان اسلام و با نگاه نظامند جغرافیایی، زیست‌شناسی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به شهر و بنابر موقعیت محلی و شرایط جهانی برای ایجاد وحدت رویه با محوریت عبودیت خداوند برای هر نوع توسعه شهری، باید تلقی شود. همچنین، کلیت هستی شهر و نمادهای گذشته و حال آن باید از آسیب و تخریب مصون باشند؛

۲) معمور (توسعه) با امنیت و رفاه ساکنان و زائران شهر همراه و با رعایت حقوق مادی و معنوی آنان انجام شود. امنیت، سلامت، آسایش و آرامش «خانواده» ساکنان، کانون زیاد امت اسلام، مدنظر برنامه‌ریزان توسعه شهری باشد؛

۳) مراسم و مناسک سالانه و ایام خاص این نوع شهرها کارکردهای دینی فردی و جمعی دارند که به استواری و سامان‌بخشی امور امت اسلامی می‌انجامند و باید در برنامه‌ریزی توسعه شهری درک و لحاظ شوند؛

۴) طراحان، مجریان و مدیران در به‌روزرسانی توسعه شهری، اصل ارزش‌ها در فرایندهای طبیعی، مثل جریان آب چاه زمزم شهر مکه و فعالیت‌های معیشتی ساکنان و زائران را در نظر گیرند و از آلودن به شرک اعتقادی و عملی و تسلط غیرمسلمانان بر آن‌ها دوری کنند. این مجریان، هنگام تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه شهری، «نظارت» و «محاسبه» خداوند را باور، اعمال و در اجرا و نتایج برا به ساکنان و زائران یادآور شوند.

منابع

- شاه‌ولی، منصور (۱۳۹۲). «تبیین پارادایم نظام متعالیه نوآوری برای تحقق پایداری». در مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ج دوم. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲۴۵-۱۲۶۸.
- شاه‌ولی، منصور (۱۳۸۳). «دین و محیط‌زیست»، مجموعه سمینارهای اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. معاونت پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، ص ۴۳-۴۴.
- شاه‌ولی، منصور (۱۳۷۵). آیا کشاورزی پایدار ریشه در توصیه‌های فنی و/یا مذهب و فلسفه دارد؟ در مجموعه مقالات اولین سمینار اقتصاد کشاورزی ایران، دانشکده کشاورزی زابل، ص ۶۷۶-۶۹۲.
- شاه‌ولی، منصور و ابراهیمی، فهیمه (۱۳۹۴). «تبیین جغرافیای فنی و معرفتی برای پایداری انجیرستان‌های استان فارس». مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵، ص ۲۷-۴۰.
- شاه‌ولی، منصور و کرمی، شَبیر (۱۳۹۳). «بررسی الگوی متعالی آموزش روش تحقیق برای توسعه پایدار با روش ترکیبی». فصلنامه روش‌شناسی پژوهش در علوم انسانی حوزه و دانشگاه، سال بیستم، شماره ۷۹، ص ۲۷-۴۶.
- شاملی، نصرالله (۱۳۷۹). «تلفیق میان شریعت و حکمت در حکمت متعالیه صدرایی». تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۷/۱۶.
- <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/65738/0>.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۴). تفسیر المیزان. مؤسسه نرم‌افزاری ترنم وحی، ج ۱۶، ص ۲۹۳-۲۹۵.
- عابدی سروستانی، احمد، شاه‌ولی، منصور و محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۱). مبانی و رهیافت‌های اخلاق زیست‌محیطی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- لولین، عبدالرحمن عثمان (۱۳۹۴). «مقدمه‌ای بر قوانین زیست‌محیطی بر مبنای اسلام». در اسلام و محیط زیست. ترجمه محمد خواجه‌حسینی و سید شهاب‌الدین معین‌الدینی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ص ۱۳۰-۱۸۰.
- محقق‌داماد، سید مصطفی (۱۳۹۳). الهیات محیط زیست. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- محمدقاسمی، حمید (۱۳۹۴). پیوند قرآن و طبیعت. تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- مهدوی‌زادگان، داود (۱۳۹۵). «دیانت فردی‌شده: انسان در تفکر وهابیی، موجودی تنها و بی‌کس است». تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۶/۲۷
- <http://www.mehrnews.com/print/3771600/>
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۶). دین و نظم طبیعت. تهران: حکمت.
- Shahvali, M. (1994). "Component Analysis of Farmers and Grazers' Decisions and Attitudes in Two Local Government Shires of New South Wales - Australia". Ph.D. Thesis.
- Tucker, M. E. (2002). "Religions enter an ecological phase". *The Environmental Magazine*, 13(6), pp. 12-14.
- ابدی، بیژن (۱۳۹۲). «شبه‌سازی رفتار مصرف انرژی براساس پارادایم محیط‌زیستی ترویج کشاورزی». رساله دکتری رشته ترویج و آموزش، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- اعرابی، محمد (۱۳۷۶). روش تجزیه و تحلیل تطبیقی در مدیریت. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جلالی، خداکرم (۱۳۹۳). تدبیری در گیاهان و درختان، درس‌هایی برای زندگی. مؤسسه فراندیش سبز.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). اسلام و محیط‌زیست. قم: اسراء.
- جهانگیری، عیسی (۱۳۹۰). «محیط‌زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی». نشریه معرفت فرهنگی - اجتماعی، سال دوم، ش ۳، ص ۶۳-۸۴.
- خوشنویس، یونس (۱۳۸۸). «دین‌گرایی در علم، یک وظیفه معرفتی». فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی حوزه و دانشگاه، شماره ۵۹، ص ۷-۲۲.
- سعید، عبدالعزیز و فانک، ناتان سی. (۱۳۹۴). صلح در اسلام: اکولوژی معنوی در اسلام و محیط‌زیست. ترجمه محمد خواجه‌حسینی و سید شهاب‌الدین معین‌الدینی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

Spiritual Ecology Explanation for Municipal Development: Comparative Study of Macca Municipality

Mansoor Shahvali¹

Abstract

Macca historical background was compared between *Islam and Ecology*, published by Harvard University; and *Guardian Report* about Macca in terms of municipal developments through 3 phases. Phase 1, was deduced to disasters identification, ie, ecological, cultural and residents' economy disasters happened in this city during municipal development projects run by Al-Saud Governence. In phase 2, the identified disasters were compared in terms of "utilitarianism" and "deontology: approaches; the results showed that former approach was used during municipal development which is not accordance to Islam recommendations such as abuse of religious functions; prevention of human competencies development; family focalpoint distracts; and personal rights disorient. The phase 3 was done by document review method to find out how would be possible to revive holy authenticity? It will be possible by *ecological monotheism*. Generally, a transcendental paradigm is recommended for municipal development plans.

Keywords: "Municipal development", "Spiritual ecology", "Comparative study", "Macca"

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Full Prof. in Dept. of Agricultural Extension and Education, Ag. College, Shiraz